

## Representation of the Nature of Azerbaijan in the Works of Sultan Mohammed Tabrizi

---

**Rahim Charkhi**

Assistant Professor of Faculty of Visual Arts, Tabriz Islamic Art University, Iran

**Amir Farid \***

Assistant Professor of Faculty of Visual Arts, Tabriz Islamic Art University, Iran

### Abstract

Observing the environment might be like a visual reserve in the artist's mind, and this visual reserve in the mind of a creative artist can lead to original works. Sultan Mohammad is one of the stylistic and creative artists in the field of Persian miniature and by looking at his works, especially the mountains and rocks in them, it can be immediately understood that these works belong to him. Therefore, by reaching one of the most important sources of inspiration in developing Sultan Muhammad's imagination, i.e., the surrounding nature in his life (mountains and rocks), and matching it with his works, it is possible to find the influence of the natural environment on Sultan Mohammad's works. This is the main reason for writing this article. Also, the main question of this research is: "to what extent the surrounding environment of Sultan Muhammad was influential in the creation of his works". The method of this article is descriptive-analytical, which is carried out by library sources and field searching in the nature of Azerbaijan. After examining the rocks of the Azerbaijan

region, it was observed that due to their sharp rocks that have been scratched in natural conditions along with the natural colors of the soil, the mountains of this region could have a unique capability in cultivating the artist's imagination. Moreover, the play of light and shadow on these rocks at different times of the day indicates various imaginations to the one who looks at them. In line with such a search, it was observed that many drawing forms in the petroglyphs of Sultan Mohammad's works could have a source such as the nature of Azerbaijan (his living place). Watching from such an angle and being in such an area have played a significant role in cultivating Sultan Mohammad's imagination and creativity as a creative artist.

**Keywords:** Sultan Mohammad, Miniature, Nature of Azerbaijan, Innovation

---

\* Email (corresponding author): a.farid@tabriziau.ac.ir



## بازنمایی طبیعت آذربایجان در آثار سلطان محمد تبریزی

رحیم چرخ‌چی

استادیار دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

امیر فرید\*

استادیار دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

### چکیده

نگریستن به محیط اطراف می‌تواند به‌سان اندوخته‌ی بصری در ذهن هنرمند وجود داشته باشد و این اندوخته بصری در ذهن هنرمند خلاق می‌تواند منجر به آثار بدیعی گردد. یکی از هنرمندانی که در عرصه‌ی نگارگری ایرانی صاحب سبک و خلاقیت بوده، سلطان محمد است که با دیدن آثارش، به‌ویژه کوه‌ها و صخره‌های این آثار، بی‌درنگ می‌توان دریافت که اثر از آن اوست. از این‌رو با دست‌یازیدن به یکی از ماناثرین منابع الهام در پرورش قوه‌ی تخیل سلطان محمد، یعنی طبیعت پیرامون زندگی وی (کوه‌ها و صخره‌ها) و تطابق آن با نمونه‌آثاری که از او بجای مانده، می‌توان به تأثیر محیط طبیعی بر آثار سلطان محمد دست یافت. این مطلب مهم‌ترین هدف از نگارش این مقاله هست. همچنین پرسش اصلی پژوهش این است که محیط پیرامون زندگی سلطان محمد به چه میزان در خلق آثارش تأثیرگذار بوده است. روش انجام این مقاله توصیفی-تحلیلی است که به کمک منابع کتابخانه‌ای و جستجوهای میدانی در طبیعت آذربایجان به انجام رسیده است. پس از بررسی صخره‌های منطقه‌ی آذربایجان مشاهده گردید که کوه‌های این منطقه به دلیل وجود صخره‌های تیز که در شرایط طبیعی خراشیده شده، به همراه رنگ‌های طبیعی خاک این منطقه، می‌توانستند ویژگی منحصربه‌فردی را به جهت پروراندن قوه تخیل هنرمند فراهم آورد. همچنین بازی نور و سایه در این صخره‌ها در زمان‌های مختلف روز، تصورات گوناگونی را به نگرنده می‌نمایاند. در راستای چنین جست‌وجویی؛ مشاهده گردید بسیاری از شکل‌های ترمیمی در صخره‌نگاری آثار سلطان محمد می‌توانست منبعی چون طبیعت آذربایجان (محل زندگی او) را داشته باشد. از این زاویه دیدن و بودن در چنین ناحیه‌ای توانسته در پرورش قوه‌ی تخیل و هنرآفرینی سلطان محمد به‌عنوان هنرمندی خلاق نقش پررنگی داشته باشد.

### واژگان کلیدی:

سلطان محمد، نگارگری، طبیعت آذربایجان، نوآوری.

طبیعت یکی از مهم‌ترین سرچشمه‌های الهام هنرمند است. طبیعت بخشی از فضا و موقعیت جغرافیایی است که شامل آب‌وهوایی است که در ارتباط با هنرمند می‌شود. طبیعت به‌واسطه‌ی حضور همیشگی در اطراف هر فردی چه به‌صورت آگاهانه و چه ناخودآگاه بر اندیشه و نگاه هنرمند تأثیرگذار است. طبیعت خشک، بی‌آب‌و‌علف یا طبیعی سرسبز، هرکدام بر رفتار، خلق‌و‌خو و بازنمودهای فردی تأثیرگذار است. بدیهی است زیر آفتاب سوزان در بیابانی سخت، جای مناسبی جهت گفت‌وگو بر سر منطق، حکمت، اخلاق و غیره نیست، در صورتی‌که تمام این موارد در محیطی دیگر جای گفت‌وگو می‌گردد.

بروز طبیعت در نگارگری ایرانی امری آشکار است. درخت‌های همیشه‌بهار، رودها و چشمه‌های روان، آسمان آبی و طبیعی که همیشه تازه است. شاید سخت باشد که نگارگری ایرانی را بدون طبیعت بتوان تصور کرد. گرچه نگارگر در دنیای خاص نگارگری، طبیعت را نیز به شیوه و اسلوب ترسیمی متفاوتی درمی‌آورد است. در واقع باوجود این‌که نگارگری ایرانی سراسر نشان از طبیعت دارد اما نمود طبیعت در نگارگری ایرانی حالتی انتزاعی و بیان ویژه‌ی خود نگارگری است. همان‌گونه که نمود انسان در نگارگری گرچه صورت آدم دارد اما حالتی انتزاعی و ازلی می‌گیرد.

نگارگری ایرانی را همچون بسیاری از هنرها می‌توان از دیدگاه‌های گوناگونی به تفسیر نشست. در مورد بیان‌ها و عناصر طبیعی در نگارگری دیدگاه‌های متفاوتی بیان شده است. از تفسیرهای فلسفی تا نامیدن چهره‌های ازلی بر این بیان‌های تصویری، همگی را می‌توان در جای خود مناسب دانست؛ اما این پژوهش در پی مطالعه‌ی میزان تأثیر طبیعت پیرامون هنرمند در هنر آفرینی او است. بدین معنا که در خلق یک اثر می‌توان نمود طبیعی که هنرمند در آن زندگی می‌کرده را ردیابی نمود. این تأثیر را چه به شیوه‌ی آگاهانه و چه ناآگاهانه در هنرمندی که مقلد

نیست و از خود اندیشه می‌گذارد می‌توان شاهد بود. در این پژوهش به یکی از هنرمندان به‌عنوان هنرمندی که صاحب روش و بیان شخصی بوده پرداخته می‌شود. این شخصیت مهم در نگارگری ایران سلطان محمد تبریزی است که در این مقاله به بیان شرح مختصری از زندگی هنری او و جغرافیای طبیعی که در آن زندگی می‌کرده پرداخته خواهد شد و سپس در پی مقایسه‌ی این دو؛ یعنی ویژگی‌های آثار او و جست‌وجو در طبیعتی که زندگی می‌کرده، خواهیم بود.

میزان و ریشه‌یابی منابع الهام هنرمندی که چند صدسال پیش می‌زیسته کار دشواری است اما به‌احتمال قوی طبیعت و به‌ویژه کوه‌ها و صخره‌ها عموماً کم‌ترین تغییر را داشته‌اند. از این‌رو با دست‌یازیدن به یکی از ماناثرین منابع الهام در پرورش قوه‌ی تخیل سلطان محمد، یعنی طبیعت پیرامون زندگی‌اش (کوه‌ها و صخره‌ها) که باقی‌مانده و تطابق آن با نمونه‌ی آثاری که از او به‌جامانده می‌توان به تأثیر محیط طبیعی بر آثار سلطان محمد دست یافت. این مطلب مهم‌ترین هدف از نگارش این مقاله است. در مسیر به نتیجه رسیدن این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی بهره خواهیم جست. هم‌چنین مطالعه‌ی کتابخانه‌ای و جستجوی میدانی در طبیعت آذربایجان به جهت تطبیق آن با آثار سلطان محمد از دیگر مراحل پژوهش می‌شود. محدوده‌ی پژوهش میدانی طبیعت آذربایجان است. به‌ویژه طبیعتی که بکر مانده و کم‌تر دستخوش دگرگونی انسانی شده است. گرچه در طبیعت عناصر بسیاری وجود دارد اما متناسب با سبک ویژه‌ی سلطان محمد، کوه و صخره‌سازی به‌عنوان پایه قرار می‌گیرد. هم‌چنین بررسی گونه‌های رنگی کوه‌ها و صخره‌های منطقه و تطبیق آن با آثار سلطان محمد از دیگر اهداف مقاله هست. پرسش اصلی این مقاله در چگونگی الهام‌گیری سلطان محمد از طبیعت اطراف خود بوده است. هم‌چنین میزان مشابهت ریختی میان اثر و طبیعت در آثار سلطان محمد از دیگر پرسش‌های این مقاله است.

## ۱. پیشینه‌ی پژوهش

تاکنون مقاله یا کتابی که دقیقاً به موضوع این پژوهش پرداخته باشد چاپ نشده و در پی جستجوی نویسندگان این مقاله نمونه‌ی مشابهی در هنر ایران یافت نگردید، اما در زمینه‌ی نزدیک چنین بحثی می‌توان به چند مورد اشاره داشت. در مقاله‌ای با عنوان «طبیعت در هنر مشرق زمین» آیت‌اللهی پژوهشی را انجام داده که بیش‌تر مقایسه‌ی بین نقاشی ایرانی و شرق دور هست (Ayatollahi, 2005). هم‌چنین مباحثی چون تفاوت طبیعت‌سازی و منظره‌سازی را مدنظر داشته است. در مقاله‌ی «جان‌بخشی به طبیعت در آثار سلطان محمد» نجارپور و خواجه‌عطاری به یافتن حیوانات و انسان‌هایی که در تابلوهای سلطان محمد وجود دارد، پرداخته‌اند. در این مقاله

طبیعت‌نگاری‌های آثار سلطان محمد واکاوی گردیده و عناصر جاندار آن مورد بررسی قرار گرفته است. این مقاله می‌تواند پایه‌ی بخشی از مقاله‌ی حاضر یعنی جست‌وجو در آثار سلطان محمد باشد، اما وجه تمایز کار ایشان و مقاله فوق در تطبیق این یافته‌ها با طبیعتی است که سلطان محمد زندگی می‌کرده است (Najjarpour & Khajeh Attari, 2015). در کتابی با نام «طبیعت، طراحی» (Amouian, 2017) به مباحثی چون ادراک محیط و تأثیری که محیط پیرامون بر ادراک هنرمند می‌گذارد، بحث نموده است. از جمله موارد مهم مطرح شده در این کتاب می‌توان مسیر طراحی ساده‌نگاری و چکیده‌نگاری از طبیعت را نام برد. الهام از فرم‌های اتفافی،

### ۳. طبیعت آذربایجان

آذربایجان یا آذربادگان ناحیه‌ای جغرافیایی و تاریخی در انتهای شمال غربی ایران است که از شمال به رود ارس، جمهوری آذربایجان و ارمنستان، از جنوب به استان‌های کردستان و زنجان، از شرق به استان گیلان و دریای خزر و از غرب به ترکیه و عراق محدود شده است و شامل سه استان آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اردبیل می‌شود.

یکی از عناصر طبیعی که در مناطق کوهستانی ایران از جمله در آذربایجان بسیار جلوه‌گر بوده و نگاه هر بیننده‌ای (به‌ویژه هنرمندی) را خیره می‌نماید، گونه‌گونی ریخت کوه‌ها و رنگ‌های گوناگون خاک در کوه‌ها است. این گونه‌گونی رنگ خاک در کوه‌های آذربایجان به‌گونه‌ای است که در برخی مناطق (مانند کوه‌های رنگی آلاداغ لار و کوه خواجه نزدیک تبریز) چند نوع خاک با رنگ‌های گوناگون در مرزهای مشخص با فاصله‌ی چند سانتی‌متری کنار هم قرار گرفته‌اند. کوه‌ها و صخره‌هایی به رنگ سبز، بنفش، سرخ، قهوه‌ای و غیره ذهن هر انسانی را که تا پیش از این تصور می‌کرد که کوه باید همیشه قهوه‌ای باشد، دگرگون می‌نماید. بدیهی است این دگرگونی در نگاه هنرمند چه‌بسا می‌توانست متفاوت بوده و به نوآوری بینجامد. از دیگر شاخصه‌های طبیعی این ناحیه معماری صخره‌ای منحصر به فرد در این ناحیه است، که می‌توان نمونه موردی آن را در هیلور و کندوان مشاهده نمود، همچنین وجود گوردخمه‌های باستانی در منطقه قابل توجه است (Shojadel & Khanmohammadi, 2014). گرچه منطقه آذربایجان در تقسیم‌بندی رایج زمین‌شناسی ایران، جایگاه یکسانی ندارد و رخساره‌های مربوط به دوره‌های زمانی متفاوتی حضور دارد اما مشابه به رخساره‌های ایران مرکزی است. به‌طور کلی نمی‌توان آذربایجان را یک زون جداگانه در زمین‌شناسی ایران تعریف کرده و باید گفت که در حقیقت خیلی از مناطق آذربایجان محل تلاقی دیگر زون‌های ساختاری ایران است؛ مانند البرز- ایران مرکزی، ایران مرکزی با سنندج- سیرجان در ناحیه ماکو-ارومیه؛ اما چنین می‌توان پنداشت که بیشتر سرزمین‌های آذربایجان با ایران مرکزی مشابهت دارد (Gorbani, 2004, p 56-57).

در ریخت و شکل صخره نیز کوه‌های آذربایجان دارای ویژگی‌های خاصی هستند. این کوه‌ها و صخره‌ها ریخت‌های گوناگونی دارند که نشان از جریان‌های آتشفشانی در دوران دور می‌دهد. این تنوع شکلی در کنار فرورفتگی میان صخره‌ها هنگامی که در معرض نور خورشید قرار می‌گیرد و ایجاد سایه‌روشن‌ها می‌نماید، می‌تواند در هر ساعتی آن صخره را به شکلی درآورد. این صخره‌ها گاهی شبیه انسان، حیوانات و غیره می‌شود و در نگاه هنرمند خلاق خود تبدیل به صحنه‌ای می‌گردد که نگاه بدان می‌تواند قوه‌ی خلاقیت هنرمند را برافروزد. نوک و رنجه‌های هر صخره‌ای که رو به سوی آسمان دارد، شکفتن و میل یافتن کوه و صخره همراه سوراخ‌هایی که در صخره وجود دارد، به کمک سایه‌های ایجادشده در دل کوه و صخره در طبیعت آذربایجان بسیار دیده می‌شود و نگاه به آن

حذف و اضافه کردن برخی از عناصر از دیگر موارد هستند. وجه تمایز این کتاب و مقاله‌ی حاضر در این است که در کتاب اشاره‌ای به مباحث نگارگری و هنرمندان نگارگری ایرانی نمی‌شود و به‌صورت عام و تا حدودی صنعتی به تأثیر طبیعت بر هنرمندان پرداخته است. کتابی با نام مشرق در آیین (Kensely, 2003) کار پژوهش تصویری است که در آن تلاش شده زندگی امروزه برخی از ممالک شرق را با نقاشی‌های بازمانده در دوران مختلف تاریخی تطبیق دهد. جریان زندگی اجتماعی و رفتار امروزی در قالب عکس برابر تابلوهایی که همان فعالیت را در گذشته صورت می‌دادند قرار گرفته است. این کتاب از نظر تطبیق تصویری با پژوهش پیش‌رو برابر است، اما رویکرد آن پژوهش و مورد خاصی نبوده است.

### ۲. تأثیر طبیعت در اثر آفرینی هنرمندان ایران

با نگرستن به قدیمی‌ترین نمونه آثار هنری بشر که در صخره‌ها و درون غارها به‌دست آمده، می‌توان نتیجه گرفت که بازنمایی محیط اطراف مهم‌ترین دست‌مایه‌ی آفرینش‌های بشری بوده است. گرچه مباحث اعتقادی و اجرای مراسم و غیره را می‌توان از این نمونه‌ها خواند، اما نمود عینی آن با ترسیم حیوانات و طبیعتی بوده که در آن منطقه زندگی می‌کرده است. نوع حیوانات آن منطقه، شکل کوهی که می‌دیده، گونه‌ی ابزار شکاری که از آن استفاده می‌کرده و غیره نشان از تأثیر دیدن پیرامون زندگی بر خلق اثر دارد. نمود و بازنمایی طبیعت؛ از درخت و گل گرفته تا کوه و صخره در هنر ایران باستان بسیار دیده می‌شود (Afzaltousi, 2014). گرچه سنت ترسیم‌گری در ایران به دور از واقع‌گرایی بوده است (Pakbaz, 2004) و ترسیم‌ها حالتی انتزاعی می‌یابد، اما چیز دیگری از طبیعت نیست. بدین معنا که حالت تجریدشده و به انتزاع‌رسیده از طبیعت الگوی آفرینش بوده است. با خیره شدن به شعله‌های آتشی که از سوزاندن چوب حاصل می‌گردد (نه شعله‌ی گاز صنعتی و خانگی) و کنکاش در ترسیم آن می‌توان به بیان انتزاعی دست یافت که پیشینیان آن را در ترسیم آتش در نگارگری به‌کار برده‌اند. این موضوع را می‌توان در دیگر عناصر طبیعی چون: بدن حیوان‌ها، برگ، درخت، رود و غیره نیز مشاهده نمود. استفاده از رنگ تخت، برتری ترسیم با خط در نقاشی ایرانی، سادگی ترسیم و غیره از جمله عوامل رسیدن به بیان انتزاعی بوده است.

انتزاع در آفرینش محصولات هنری از قدیمی‌ترین دوران در ایران یک اصل بوده است (دست‌کم در برابر آنچه که در روم باستان وجود داشته، مانند مجسمه‌ی دیسکانداژ میرون). ترسیم بدن انسان و نبرد شیروگاو در تخت‌جمشید، نقش برجسته‌ها و ظروف ساسانی و بسیاری از نمونه‌ها در هنر ایران نشان از انتزاع در ترسیم دارد. این ترسیم‌ها با وجود خیالی‌نگاری، برگرفته از طبیعت و واقعیت اطراف بوده که اتفاقاً در بسیاری از نمونه‌ها تناسبات ترسیمی بسیار درستی را دارا هستند (Afhami & Ayatollahi, 2006).

می‌تواند ایده دهنده باشد. نتیجه‌ی این گونه‌گونگی رنگ و شکل در نزد هنرمند خلاق اگر با بیان‌های انتزاعی که او از سنت ترسیم‌گری ایرانی بدان رسیده پیوند یابد، صحنه‌هایی می‌شود که نمونه‌ی آن را در دو مکتب ترکمانان (قراقویونلو و آق‌قویونلو) و تبریز دوم می‌توان دید. در این میان یکی از کسانی که این طبیعت و گونه‌گونی آشکارا در آثارش مشاهده می‌شود سلطان محمد تبریزی است.

#### ۴. سلطان محمد و ویژگی آثار او (با پافشاری بر طبیعت‌پردازی در آثارش)

سلطان محمد هنرمند عصر صفوی از معدود نقاشانی است که در مورد آثار و زندگی او نسبت به دیگر نقاشان ایرانی مطالبی (هرچند کوتاه) بیان شده است. قاضی‌احمد منشی از نویسندگان عصر صفوی شرحی از سلطان محمد و سبک او بیان می‌دارد. حتی در دوره‌ی معاصر و پس از توجه به آثار بهزاد، آثار سلطان محمد دارای توجه بوده است. از برآورد این نقل‌قول‌ها می‌توان چنین نتیجه گرفت که سرپرستی کتابخانه‌ی سلطنتی شاه‌طهماسب در هنگام تدوین شاهنامه‌ی بزرگ طهماسبی با سلطان محمد بوده است. همچنین در این خصوص او آداب حاکم بر دربار را به‌طور جدی رعایت می‌نموده است (Karimof, 2006, p. 24). زندگی در شهر تبریز و بهره‌گیری از طبیعت آذربایجان می‌توانست نمود ویژه‌ای در سبک هنری او داشته باشد. سبکی که در نقاشی ایران توانست طرحی نو دراندازد. مارتین، سلطان محمد را نقاش خوشبختی‌ها، بی‌غمی‌ها و شادی زندگی دانسته است. رهاسازی نقاشی از قید خوش‌نویسی که توسط بهزاد شروع شده بود، توسط سلطان محمد به انجام رسید (Karimof, 2006, p. 50).

از ویژگی‌های سبکی سلطان محمد (در راستای اهداف این پژوهش) می‌توان چنین بیان داشت که شیوه‌ی منظره‌سازی او بدیع و خلاقانه بوده است. مهارت او در تصویر شکل‌های عجیب و شگفت‌انگیز صخره‌ها و سنگ‌ها که مثل زبانه‌های آتش در پیچ و تابند، جان بخشیدن به طبیعت اطراف، ترسیم صورت‌ها و سرهای حیوانات وحشی در صخره‌ها و سنگ‌ها از ویژگی‌های بارز سبک او به شمار می‌رود. «چهره‌های انسانی در سنگ‌های آثار سلطان محمد در شاهنامه‌ی شاه‌طهماسبی فراوان دیده می‌شود. ما می‌توانیم تعداد زیادی حیوان، انسان‌های متنوع، حالات احساسی و دیوهای تخیلی زشت را در قله‌ها و صخره‌ها ببینیم» (Welch, 2006, p. 157). استفاده از رنگ‌های شفاف و متضاد، بهره‌گیری از طیف بسیار زیاد رنگی در ترسیم کوه‌ها و صخره‌ها، جنبش و پویایی در ترکیب اثر (مانند مجلس پلنگ‌پوشان)، ترکیب‌بندی درخشان، گیاهان و صخره‌های درهم‌تنیده، ترکیب‌بندی بغرنج و پیچیده اجزای طبیعت شاداب و در عین حال وحشی از ویژگی آثار سلطان محمد به شمار می‌رود (Azhand, 2005, p. 137-166). «طبیعت در آثار سلطان محمد واقعی‌تر و متفاوت‌تر از گذشتگان است. در آثار او منظره نمود ایده‌آل بهشت نیست بلکه تجسم شاعر از طبیعت است. طبیعت و منظره تنها مکانی

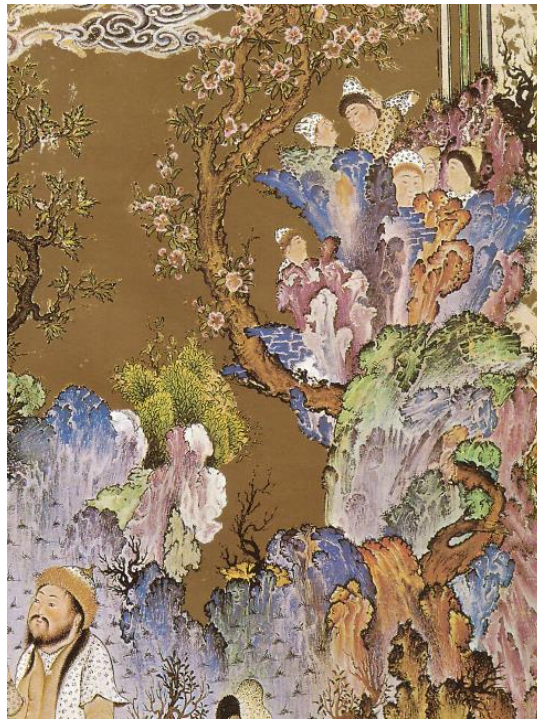
نیست که حادثه در آن اتفاق می‌افتد، بلکه بخش جدایی‌ناپذیر اثر است که به تشریح موضوع کمک می‌کند» (Karimof, 2006, p. 53).

در پایان این بخش هم‌سو با نظر خانم شیلا کنبی باید نقش زندگی سلطان محمد در آذربایجان به‌ویژه شهر تبریز را در آفرینش و ترسیم موجودات زنده در آثارش مهم دانست؛ «هرچند دقت سلطان محمد در ترکیب‌بندی اثر امکان دارد که ملهم از نقاشان یا نقاشی‌های مکتب هرات باشد، اما انبوه چهره‌های غریب آدم‌ها و حیوان‌هایی که به شیوه‌ی ترکمانی میان صخره‌ها و ابرها همچون ارواحی به منظره جان می‌بخشند از آن خود تبریزی اوست» (Kanbi, 2007, p. 49).

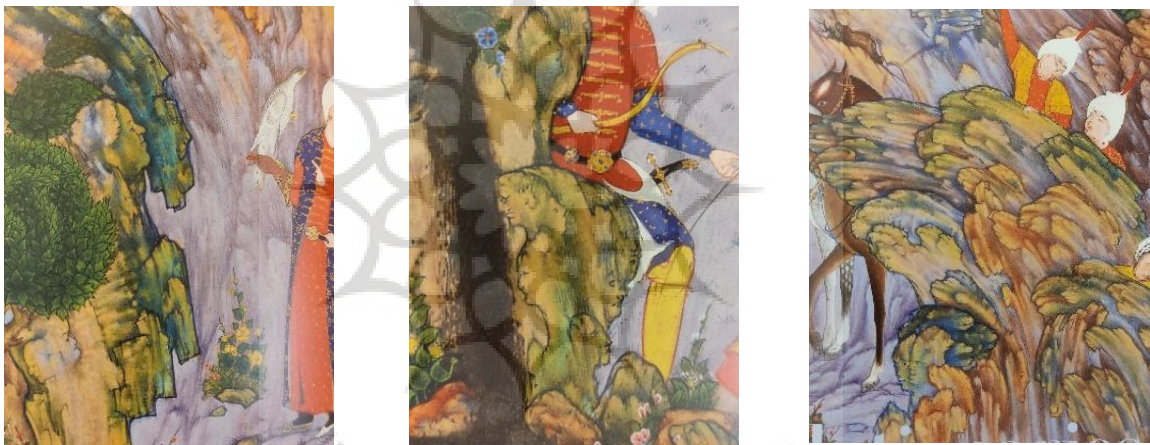
#### ۵. جان‌بخشی صخره‌ها در آثار سلطان محمد

«به‌طور کلی صخره‌های رنگارنگ و پیکره‌های انسانی و سایر موجودات که در میان صخره‌ها پنهان شده‌اند از ویژگی‌های سبک سلطان محمد بوده است. درواقع وی در شیوه‌ی خود گاه صخره‌ها و درختان را به شکل صورت و هیکل آدمیان می‌کشید» (Rahnavard, 2013, p. 133). با این نقل‌قول که برآیند ویژگی طبیعت‌نگاری سلطان محمد است، به معرفی چند نمونه از ترسیم موجودات در آثار طبیعت‌نگاری او خواهیم پرداخت.

بارگاه کیومرث یا مجلس پلنگ‌پوشان یکی از مهم‌ترین آثار سلطان محمد است که انتساب آن را صاحب «گلستان هنر» نیز تأیید نموده است. «یکی از نگاره‌های شاهنامه‌ی طهماسبی بارگاه کیومرث را نشان می‌دهد که جهانی رنگارنگ، پرتنش و رمزآمیز است که در آن حتی صخره‌ها نیز جان گرفته‌اند» (Pakbaz, 2004, p. 91). در درون صخره‌های این تابلو می‌توان چهره‌ی انسان و حیوان را مشاهده نمود که حتی تعداد صورت‌های آدمیان را در این تابلو بیش از یک صد صورت شمرده‌اند (Najjarpour & Khajeh Attari, 2015, p. 89). به همین منوال می‌توان شاهد حضور جانداران در طبیعت‌نگاری‌های سلطان محمد بود. بدین منظور بخش‌هایی از آثار او آورده خواهد شد (به‌منظور بهتر دیده شدن تنها بخشی از تابلو که مدنظر است گنجانده می‌شود) (شکل ۱). بدین منوال می‌توان از دیگر آثار سلطان محمد نیز نام برد که در آن پیوند خیال و طبیعت‌نگاری، صورت‌ها، بدن‌ها، پرندگان و چارپایان بسیاری را در صخره‌ها ترسیم کرده است. تیزی نوک کوه، بینی گشته، فرورفتگی کوه، چشم شده و یا حالت کلی صخره تبدیل به بدن چارپایی گردیده است. در آثاری چون به بندکشیدن ضحاک و یا در خمسه نظامی پیرزن و سلطان سنجر و ... می‌توان شاهد این بود که صخره‌ها و کوه‌ها به شکل جاندار درآمده است. در زیر با انتخاب بخشی از تابلو ترسیم جانداران درون صخره‌ها به نمایش درآمده است (شکل ۲، شکل ۳ و شکل ۴).



شکل ۱: بخشی از تابلوی دربارگاه کیومرث (Karimof, 2006)  
Fig. 1: Part of the Keyumars Court panel (Karimof, 2006)



شکل ۲: بخشی از تابلوی اعدام ضحاک از شاهنامه‌ی طهماسبی (Rajabi & Esmaili, 2013)  
Fig. 2: Parts of Zahhak's execution panel from Shahnameh of Shah Tahmasp (Rajabi & Esmaili, 2013)



شکل ۴: بخشی از تابلوی سلطان سنجر از خمسه نظامی (Nizami, 2019)  
Fig. 4: Part of Ahmad Sanjar panel in Khamsa of Nezami (Nizami, 2019)



شکل ۳: بخشی از تابلوی بارگاه کیومرث در شاهنامه‌ی طهماسبی (Karimof, 2006)  
Fig. 3: Part of the Keyumars Court panel in Shahnameh of Shah Tahmasp (Karimof, 2006)










### ۶. جان بخشی صخره‌ها در طبیعت آذربایجان

با ژرف‌نگری در طبیعت‌سازی و کوه‌سازی آثار سلطان محمد، دو گروه از خیال‌پردازی در ساخت‌وسازهای محیطی او خودنمایی می‌نماید. یکی تداعی تصویرسازی چهره‌ی انسانی و دیگری پیکره‌های حیوانی که از میان ساخت‌وسازهای او بیرون می‌آید. در این بخش سعی می‌شود با مطابقت عکس‌های گرفته شده از طبیعت آذربایجان با نمونه آثار سلطان محمد به این نظریه پرداخته شود که یکی از دلایل استفاده‌ی سلطان محمد از چهره‌های انسانی و حیوانی در دل کوه‌سازی در آثارش، دیدن این نمونه‌های طبیعی است. در ادامه شکل صخره‌ها در چهار دسته‌ی سر انسان، پیکره‌ی انسانی، چارپایان و پرندگان ارائه می‌گردد. این ارائه‌ها هر کدام در جدولی تنظیم می‌گردد و به ترتیب از عکس تا ترسیم نشان داده می‌شود. با این توضیح که برابری این نمونه‌ها با آثار تنها جنبه‌ی

مثالی دارد و منظور این نیست که سلطان محمد همان کوه در همان نقطه‌ی جغرافیایی را دیده باشد. چون در بسیاری از نقاط آذربایجان مشابه چنین صخره‌هایی بسیار زیاد دیده می‌شود (ناگفته نماند تعداد تصاویر بیش‌تر از نمونه‌های ارائه شده است که تنها به جهت انتقال مفهوم کلی این مقاله به این تعداد بسنده می‌شود). برای نخستین مثال صخره‌هایی از کوه‌هایی که تداعی چهره‌ی انسان دارد، آورده می‌شود (جدول ۱). در این قطعه‌ها قوه‌ی خلاقیت بیننده صخره را از یک زاویه‌ی خاص و پرداخت نور خورشید در ساعتی خاص، شبیه صورت آدمی می‌یابد. با پیگیری در آثار نگارگری سلطان محمد می‌توان به مشاهده‌ی چهره‌های انسانی پرداخت که ایده‌ی ابتدایی آن را از طبیعت گرفته باشد و با نوع و خلاقیت خود بدان شکل‌های دیگر داده باشد.

جدول ۱: صخره‌های شبیه سر انسان

Table 1. Rocks that look like human heads

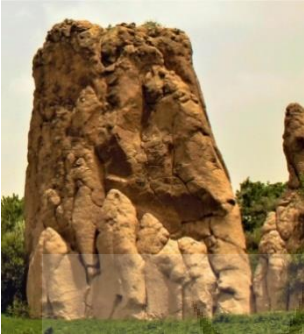








۱	<p>صخره‌ی کوهی واقع در دره‌ی روستای لیقوان. A mountain rock located in the valley of Liqvan village, Reference: Photo collection of Mr. Shabkhiz</p>			
۲	<p>صخره‌ی کوهی واقع در اطراف روستای گوگرد نزدیک قره‌چمن. A mountain rock located around the Gug Darreh village, near Ghareh Chaman Reference: Authors</p>			
۳	<p>صخره‌ی کوهی واقع در منطقه‌ی زنوز مرند. A mountain rock located in the Zonuz region of Marand, Reference: Authors</p>			

ایرانی به حساب می‌آید. ترسیم حیوانات اهلی و وحشی و اساطیری در نقاشی و تشعیر جایگاه ویژه‌ای دارد. به پیروی از چنین جایگاهی در صخره‌ها و کوه‌های نگاره‌های ایرانی نیز می‌توان در همراهی با محیط شکل‌هایی از سر و بدن حیوانات را مشاهده نمود. در آثار سلطان محمد نیز چارپایان و به‌طور کلی حیوانات در دل صخره‌ها ترسیم شده‌اند که می‌تواند یکی از منشأهای چنین خیال‌پردازی، دیدن محیط اطراف بوده باشد (جدول ۳).

در برخی از صخره‌ها حالت کلی پیکره‌ی انسان دیده می‌شود به این معنا که با نگاه به برخی از صخره‌ها گویی آدمی در خود پیچیده شده تداعی گر می‌شود که وجود سوراخ‌ها و فرورفتگی‌هایی در دل صخره تیرگی‌هایی ایجاد می‌نماید که شبیه پیکره‌ی آدمی می‌گردد (جدول ۲).

در نگاره‌های ایرانی تصویرسازی حیوانات جایگاه مهمی دارد تا جایی که شیوه‌ی جانورسازی از اصطلاحات پرکاربرد در نگارگری

جدول ۲: صخره‌های پیکره‌ی انسان  
Table 2. The rocks of the human figure




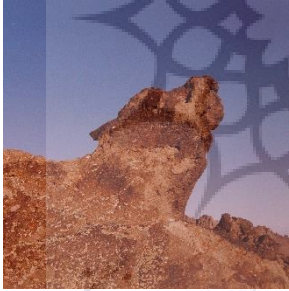





<p>۱</p> <p>صخره‌ی کوهی واقع در اطراف روستای دلمه هشتروند. A mountain rock located in the Dalmeh village of Hastrood, Reference: Photo collection of Mr. Shabkhiz</p>			
<p>۲</p> <p>صخره‌ی کوهی واقع در شیروان دره (دامنه‌ی کوه سبلان)، A mountain rock located in the Shirvan Darreh (slope of Sabalan Mountain), Reference: Photo collection of Mr. Shabkhiz</p>			
<p>۳</p> <p>صخره‌ی کوهی واقع در شیروان دره (دامنه‌ی کوه سبلان). A mountain rock located in the Shirvan Darreh (slope of Sabalan Mountain), Reference: Photo collection of Mr. Shabkhiz</p>			



ذهن خلاق هر مخاطبی را به شکل سر پرندگان رهنمون می‌نماید. پرندگانی چون عقاب و قرقی و البته پرندگانی که بر آنان نام پرنده- ای مشخص را نمی‌توان نهاد و تنها کلیتی از سر پرنده را شاهد هستیم (جدول ۴).







بخشی از صخره‌سازی‌های سلطان محمد مربوط به شکل‌هایی است که صخره‌ها در آن مانند پرنده‌ای به نمایش درآمده است. با این بینش هنگام نگریستن به صخره‌های این بخش از جغرافیای ایران زمین شاهد کوه‌ها و صخره‌هایی هستیم که

جدول ۳: صخره‌های حیوانی  
Table 3. The rocks of the animal figure

۱	<p>صخره‌ای در ارتفاعات کوه سیلان A rock located in the heights of Sabalan Mountain, Reference: Photo collection of Mr. Shabkhiz</p>			
۲	<p>صخره‌ای در ارتفاعات کوه سیلان A rock located in the heights of Sabalan Mountain, Reference: Photo collection of Mr. Shabkhiz</p>			
۳	<p>صخره‌ای در ارتفاعات کوه سیلان A rock located in the heights of Sabalan Mountain, Reference: Authors</p>			



جدول ۴: صخره‌های پرندگان  
Table 4. The rocks of the bird figure

<p>۱</p> <p>صخره‌ای در ارتفاعات کوه سبلان A rock located in the heights of Sabalan Mountain, Reference: Photo collection of Mr. Shabkhiz</p>			
<p>۲</p> <p>صخره‌ای در ارتفاعات کوه سبلان. A rock located in the heights of Sabalan Mountain, Reference: Photo collection of Mr. Shabkhiz</p>			

## نتیجه‌گیری

سلطان محمد جهت دست‌یابی به بیان بصری منحصر به فردش، می‌تواند دیدن و سیرکردن در طبیعت پیرامون زندگی‌اش بوده باشد. کوه‌ها و صخره‌های محل زندگی او سرشار از اشکالی هستند که شباهت به انسان و چهارپا دارند. سوراخ‌ها و حفره‌های درون این کوه‌ها در مواجهه با نور و سایه شباهت‌آشنایی جانداران را می‌انگارد. حتی در برخی از نمونه‌ها، ذهن موجودی ترکیبی و خیالی را تداعی می‌کند. در این‌جا با آوردن چند نمونه و ترسیم خطی آن‌ها نشان داده شد که دست‌کم یکی از مهم‌ترین منابع جهت دست‌یابی به بیان شخصی در آثار سلطان محمد، طبیعت آذربایجان و به‌واقع محیط زندگی او است.

در طول تاریخ طبیعت همیشه الهام‌بخش قوه‌ی تخیل هنرمندان بوده است. چه بسا زندگی و تنفس هنرمندی در یک منطقه‌ی جغرافیایی با نوع طبیعت و آب‌وهوای آن در نقش‌آفرینی آثار او مرتبط بوده است. چشم‌انداز نگریستن به محیط اطراف می‌تواند به‌سان اندوخته‌ی بصری در ذهن هنرمند وجود داشته باشد. این اندوخته‌ی بصری به همراه خلاقیت و قوه‌ی خیال می‌تواند منجر به آثار بدیعی گردد. سلطان محمد یکی از هنرمندانی است که در عرصه‌ی نگارگری ایرانی که عموماً هنری است وابسته به سنت، توانسته نوآوری داشته باشد. با دیدن آثار سلطان محمد، به‌ویژه کوه‌ها و صخره‌های آثارش بی‌درنگ می‌توان دریافت که اثر از آن اوست. در این مقاله بررسی گردید که یکی از اصلی‌ترین منابع الهام

## References

- Afhami Reza, Tavousi Mohammad, Ayatollahi, Habibollah, Hazhbari Nobari Alireza. (2006). Human Proportions in Persepolis, Honarhay-e Ziba Pub. No. 28, pp. 93-101. [in Persian]
- [افهمی رضا، طاووسی محمد، آیت الهی حبیب اله، هژبری نویری علیرضا. (۱۳۸۵). تناسبات انسانی در تخت جمشید. نشریه هنرهای زیبا. شماره ۲۸ - صص ۹۳-۱۰۱.]
- Afzaltousi, Effatolsadat. (2014). Nature in Ancient Art, Tehran, Alzahra University, Morakkab Sepid Pub. [in Persian]
- [افضل‌طوسی، عفت‌السادات. (۱۳۹۳). طبیعت در هنر باستان، تهران: دانشگاه الزهرا- مرکب سپید.]
- Amouian, Forough. (2017). Nature, Design, Babolsar: University of Mazandaran. [in Persian]
- Ayatollahi, Habibollah. (2005). Nature in Oriental Art, Art Month Book, Nos 83 and 84, pp. 3-10. [in Persian]
- Azhand, Yaghoob. (2005). The Face of Sultan Mohammad Naqash, Tehran: Iranian Academy of Arts. [in Persian]
- [اژند، یعقوب. (۱۳۸۴). سیمای سلطان محمد نقاش، تهران: فرهنگستان هنر.]
- Gorbani, Mansour. (2004). Tectonic and structural gology of Iran, Tehran, Aryan Zamin. [in Persian]
- [قربانی، منصور. (۱۳۹۳). زمین‌شناسی ساختاری و تکتونیک ایران، تهران: آریین زمین.]
- Kanbi, Shila. (2007). The Golden Age of Iranian Art, Hasan Afshar, Tehran: Markaz Pub. [in Persian]
- [کنبی، شیدا. (۱۳۸۶). عصر طلایی هنر ایران، حسن افشار، تهران: نشر مرکز.]
- Karimof, karim. (2006). Soltan Mohhamad, Jahanparsi masoumi - Rahim charkhi. Tabriz islamic art university pub. [in Persian]

- [کریم اف، کریم. (۱۳۸۵) سلطان محمد. جهان پری معصومی و رحیم چرخ. دانشگاه هنر اسلامی تبریز]
- Kensely, divid. (2003). The Estern Mirror: Visions of the Divine from East and West. Sri Satguru Publications
- Najjarpour, Samad and Khajeh Attari, Alireza. (2015). Pathetic Fallacy of Nature in the Works of Sultan Muhammad, Negarineh Islamic Arts Periodical, No. 7 & 8, pp. 84-96. [in Persian]
- [انجارپور، صمد و خواجه عطاری، علیرضا. (۱۳۹۴). جانبخشی به طبیعت در آثار سلطان محمد. فصلنامه نگارینه هنرهای اسلامی، شماره هفت و هشت. ۸۴-۹۶.]
- Nezami, Elyas bin Yousef. (2019). Khamsa Nizami Tahmasabi, Iranian Academy of Arts in collaboration with Tehran Municipality. [in Persian]
- Pakbaz, Royin. (2004). Iranian Painting from Past to Present, Tehran, Zarrin & Simin Pub. [in Persian]
- [پاکباز، رویین. (۱۳۸۳). نقاشی ایرانی از دیروز تا امروز، تهران: زرین و سیمین.]
- Rajabi, Mohammadali and Esmaili. (2013). Shahnameh of Shah Tahmasp, Iranian Academy of Arts in collaboration with Museum of Contemporary Art. [in Persian]
- [رجبی، محمدعلی و اسماعیلی (۱۳۹۲) شاهنامه شاه طهماسبی. فرهنگستان هنر با همکاری موزه هنرهای معاصر.]
- Rahnavard, Zahra. (2013). Miniature, Tehran: Samt Pub. [in Persian]
- [رهنورد، زهرا. (۱۳۹۲). نگارگری، تهران: سمت.]
- Shojadel, Nadereh; Khanmohammadi, Behrouz. (2014). An Investigation of Rock Tombs in West Azerbaijan Province, Peyman Pub., No. 68, pp.34 [in Persian]
- [شجاع‌دل، نادره؛ خانمحمدی، بهروز. (۱۳۹۳). بررسی مقابر صخره‌ای استان آذربایجان غربی، نشریه پیمان، سال ۱۸، شماره ۶۸ صص.]
- Welch, Anthony. (2006). Safavid Painting and Supporters, Tr. Rouhollah Rajabi, Tehran: Iranian Academy of the Arts. [in Persian]
- [ولش، آنتونی. (۱۳۸۵). نگارگری و حامیان صفوی، روح‌الله رجبی، تهران: فرهنگستان هنر.]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی